

## بررسی تاریخی نارضایتی‌های اقتصادی دوره صفویه

سید احمد عقیلی<sup>۱</sup>، سمیرا فریدونی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

### چکیده

تشکیل دولت صفوی در سال ۹۰۷ه.ق توسط شاه اسماعیل اول، سرآغاز تحولات سیاسی و اقتصادی و مذهبی در ایران بود؛ تحولاتی که منجر به استقلال امور ایران در تمامی زمینه‌ها شد. در زمینه اقتصادی، از جمله اقداماتی که در این دوره انجام شد می‌توان به مواردی همچون: تولید انواع محصولات زراعی توسط کشاورزان، رشد شهرنشینی و همچنین صادرات کالاهای تولیدی در داخل کشور اشاره کرد. در مسیر راه‌های تجاری کاروان‌سراهایی تاسیس شد که موجب رونق تجارت و بازرگانی در این دوره شد. واکاوی علل برافتادن حکومت دویست ساله صفویه، بسیاری از نویسندگان قدیم و جدید را واداشته تا در این زمینه دیدگاه‌های بسیاری و گاه متضادی را بیان کنند. در این تحقیق سعی بر آن شده تا زمینه‌های بروز نارضایتی‌های اقتصادی در دوره صفویه از جمله: جنگ‌های داخلی، افزایش نرخ مالیات‌ها، بی‌توجهی به شبکه آبیاری و راه‌های کشور، فساد شاه و درباریان، ناامنی راه‌ها، شیوع بیماری در کشور، احتکار و بی‌ارزش شدن پول ملی و... مورد بررسی قرار گیرد. نهایت آنکه، این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای مطالعه تاریخی زمینه‌های اقتصادی نارضایتی‌های این دوره را مورد بررسی قرار داده و به این نتایج را مطرح نموده است: به دلیل بی‌توجهی شاهان آخر صفویه به اصلاحات شاه عباس اول و سیستم حکومت داری طراحی شده وی، عدم توجه به امور اقتصادی و گسترش رشوه و فساد در دولت و دربار، همچنین قاچاق سکه و پایین آمدن ارزش پول در پی رواج بیش از اندازه ضرب سکه در دوره صفویه؛ متلاشی شدن حکومت صفوی را بیش از پیش عیان کرد. حتی رقابت بین کمپانی‌های دولت‌های اروپایی در ایران نیز مزید بر علت بود تا سیستم اقتصادی که شاه عباس بنیان گذاشته و قصد پیشرفت و ترقی ایران را در سرداشت بعد از مرگ وی، خود از عوامل مهم ناکارآمدی نظام صفوی شده و حکومت را از درون و بیرون به نابودی و اضمحلال کشانید.

**کلمات کلیدی:** صفویه، نارضایتی اقتصادی، افزایش مالیات‌ها، شورش‌ها، جنگ

**مقدمه**

ساختار اقتصاد ایران، دیرباز از مداخله نظام‌های سیاسی رنج می‌برده است. هرچند بعد از اسلام، توسعه راه‌های ارتباطی، رشد بازرگانی، افزایش سطح اراضی زراعی و ترقی صنایع دستی اتفاق افتاد. با آمدن عشایر به ایران محصولات که از دام تولید می‌شد رشد چشمگیری یافت. اما این نظام اقتصادی نوین هم در زنجیره‌هایی از مشکلات چندجانبه گرفتار شده بود. از قرن پنجم قمری با یورش قبایل آسیای مرکزی، ساختار مالی و زراعی کشور، دچار آسیب جدی شد. جدا از آثار کوچ، یکی از عواملی که موجب شد در ایران نظام جدیدی تحت عنوان مالکان بزرگ زمین به وجود بیاید روش اقطاع داری بود که در دوران حکومت سلجوقیان در ایران رایج شده بود. این عامل باعث شد که یک درگیری دائمی بین دولت و مالکان به وجود بیاید. این روش موجب شد که بر تعداد افرادی که به صحرا نشینی روی می‌آوردند بیشتر از پیش شود که نتیجه آن مقدار زمین‌های بایر بیشتر و شیوه‌های کشاورزی بدون کوچکترین تغییری به حیات خود ادامه دهند. به دلیل این نوع نظام زمین داری گرفتن مالیات و خراج کم کم از دست دولت حاکم خارج شد.

واکاوی علل برافتادن حکومت دویست ساله صفویه، بسیاری از نویسندگان قدیم و جدید را واداشته تا در این زمینه دیدگاه‌های بسیاری و گاه متضادی را بیان کنند. در دوره شاهان بعد از شاه عباس به دلیل عدم نظارت کافی از طرف دربار بر حکام و امرا مالیات‌ها با افزایش چشمگیری مواجه شدند که موجب بروز برخی شورش‌ها شد. افزایش نرخ مالیات‌ها از روش‌هایی بود که تأثیرات منفی وضعیت مالی کشور داشت و باعث شدیدتر شدن این وضعیت می‌شد. نبردهای متوالی دولت صفویه با دولت‌های ازبک در شرق، و دولت عثمانی در غرب موجب قحطی و فقر می‌شد. دربار برای تأمین هزینه‌های جنگ بر مردم مالیات‌های وضع می‌نمود. این جنگ‌های طولانی مدت نتیجه‌ای جز فقر و ویرانی برای مردم نداشت. یکی از راه‌های درآمد شاهان صفوی عوارض گمرکی بود شاهان صفویه با وضع عوارض گمرکی در محصولات کمپانی‌های حاضر در هندوستان و بصره و بوشهر به درآمدی دست می‌یافتند. افزایش مالیات‌های سنگین بر مردم از راه‌های اساسی شاهان برای تأمین هزینه‌های لشکر کشی بود. که این تنها عامل بروز آثار جنگ بر مردم کشور نبود. بلکه از طرف دیگری، سپاهیان هر ایالتی که اتراق می‌کردند، تأمین خورد و خوراک آنها و چهارپایانشان با مردم آنجا بوده است. یکی دیگر از آثار جنگ بر مردم از بین رفتن زمین‌های کشاورزی در پی اجرای سیاست آتش زدن زمین‌ها که به آن سیاست سوختن زمین می‌گفتند با این اقدام روستاهای زیادی تخریب می‌شدند و تمامی منابع آبی این روستاها یا تخریب و یا برای همیشه از بین می‌رفتند که نتیجه آن کمبود انواع غلات در مناطق بود. از دیگر عواملی که باعث افزایش مالیات‌ها بود بخشی از زمین‌های وسیع که مناسب کشاورزی بودند به عنوان سیورغال تیول و ... به امرا و بزرگان واگذار می‌شد. هرچه بر این بخش‌ها اضافه می‌شود، فشار بر مردم افزایش پیدا می‌کرد به دلیل اینکه، این زمین‌ها از پرداخت مالیات معاف بود. در نهایت این سیاست منجر به شورش و قیام‌های مردم بود که دلیل این شورش‌ها گرفتن مالیات‌های سنگین بر منبع درآمد مردم بود. از جمله منابعی که دولت بر آن مالیات وضع کرده بود می‌توان به چند مورد اشاره نمود: گمرکات، خرید و فروش زمین، مالیات بر احشام، مالیات‌های که به صورت سالانه از زمین‌ها گرفته می‌شد و ..... برای نمونه می‌توان به دو شورش که در نتیجه گرفتن مالیات سنگین رخ داد اشاره نمود یک شورش اهالی تبریز در دوره شاه طهماسب و دیگری شورش غریب شاه گیلانی در دوره شاه صفی اشاره نمود.

**فرضیه‌های پژوهش**

-به نظر می‌رسد جنگ‌های داخلی و خارجی، افزایش نرخ مالیات‌ها، استبداد، مهم‌ترین علل نارضایتی‌های اقتصادی دوره صفویه می‌باشد.

-از جمله مهم‌ترین پیامد این نارضایتی‌ها و شورش‌ها، شاید بتوان به افزایش تورم و افزایش استبداد شاهان و عمال صفویه و در نهایت سقوط صفویه، اشاره کرد.

**پیشینه‌ی پژوهش**

درباره موضوع پژوهش حاضر برخی مقالات و کتب به طور پراکنده مباحث مهمی را اشاره کرده اند که برخی از جدیدترین آنها در یک دهه اخیر به این شرح است: داراب ظفریان و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی عوامل موثر بر توسعه‌ی اقتصاد شهری اصفهان در دوره صفویه پرداختند. در این پژوهش نقش شاخص‌های «جمعیت»، «زیرساخت‌های حمل و نقل زمینی و آبی» که از مؤلفه‌های علم «اقتصاد شهری» به شمار می‌روند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عواملی نظیر «تراکم جمعیت»، «توسعه زیر ساخت‌های حمل و نقل» و «مکان یابی مناسب عناصر شهر» تأثیر بسزایی در توسعه «اقتصاد شهری» اصفهان دوره صفوی داشته اند.

کمالی سروستانی و جعفری سروستانی (۱۳۹۷) به بررسی تطبیقی علل اقتصادی سقوط حکومت‌های صفویه و مغولات کبیر هند پرداختند. با توجه به این تحقیق، مهم‌ترین عوامل اقتصادی همسان در سقوط دو دولت را می‌توان در این محورها بیان کرد: افزایش مالیات‌های کمرشکن، سقوط بازرگانی داخلی، عدم رسیدگی به وضع معیشتی مردم و نارضایتی دهقانان و روستاییان، هزینه کردهای مسرفانه و گزاف دربار و در نتیجه افول ارزش سکه و افزایش قیمت کالاها، به ویژه ارزاق عمومی و تبدیل اراضی به خاصه در ایران. این عوامل، به ترتیب در زمره عوامل اختصاصی سقوط دو دولت مغولان هند و صفویه شایسته ذکر است.

سلیم (۱۳۹۷) به بررسی سیاست اقتصادی صفویه و تأثیر آن بر سقوط دولت پرداخت. نتیجه به دست آمده از این تحقیق، مشخص می‌کند که چگونه عوامل متعدد داخلی همچون انحصارطلبی دولت و ضعف برنامه ریزی اقتصادی و نیز مشکلات حاصل از جنگ و بی سامانی از یک سو و عوامل خارجی همانند افزایش توان مالی و تجاری رقیبان خارجی و آسیب‌های ناشی از تحدید نظارت و تهدید مرزها، به فروپاشی ساختار اقتصادی ایران و سپس سقوط دولت صفویه منجر شد.

کریمی موغاری و خرمی مقدمی (۱۳۹۴) به بررسی عملکرد اقتصادی ایران در عصر صفوی و مقایسه آن با اروپای قرن ۱۷ با رویکردی نهادی پرداختند. نتایج پژوهش بر این اساس است که در عصر صفوی نبود قانون، قدرت مطلقه شاه و ضعف نهادهای مدنی امکان دسترسی آزاد به بازارهای سیاسی و اقتصادی را نداده و مانع از پیشرفت تکنولوژیک و فنی شد. عدم امنیت جان و مال صنعتگران و پیشه‌وران و هزینه‌های معاملاتی بالا مانع از رشد سرمایه‌گذاری و تولید کالاهای جدید شد. در حالی که در اروپا به تدریج زمینه‌های مناسب برای حاکمیت قانون و دسترسی آزاد به بازارهای سیاسی و اقتصادی فراهم شده و به تبع شکل‌گیری نهادهای حامی بازار، انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید صنعتی افزایش یافته است.

یلفانی (۱۳۸۷) به بررسی موقعیت اقتصادی دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی پرداخت. در این نوشتار موقعیت اقتصادی عمومی مملکت صفوی در زمان شاه سلطان حسین (اواخر عهد صفوی) مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده است تا نتیجه‌های سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی شاه عباس اول که در زمان شاه سلطان حسین مشهود گردید مورد توجه قرار گیرد. برخلاف تأثیر منفی آن سیاست‌ها بر جامعه ایران، قدرت اقتصادی کشور به حدی مستحکم بود که ظاهراً با وجود انحطاط تدریجی اقتصادی در اواخر آن عصر، تا حمله افغانه کسی از وجود آن باخبر نبود اما پس از واقعه مذکور؛ این انحطاط خود را به خوبی نشان داد و مشخص گردید که فساد و پریشانی کلی اقتصادی اواخر دوران صفوی، یکی از علل بزرگ سقوط آن دولت بوده است.

**وضعیت و سیاست‌های اقتصادی دوره اول صفویه (۹۰۷-۹۹۶ هجری قمری)**

برای بررسی بهتر روند اقتصاد ایران صفوی، شاید لازم باشد به ساختار جغرافیای اقتصادی این عهد پرداخته شود؛ یعنی مطالعه نقاط جغرافیایی ایران واقع در محدوده حاکمیت سیاسی صفویان که در نظام اقتصادی آن دوره نقش ایفاء می‌کرده‌اند. خاصه نقاطی چون شهرها، روستاها و مناطق اسکان شبانکاره گان که مردمانش به فراخور پویس‌های تولیدی، صنعتی یا خدماتی، در میزان بهره‌وری و منابع درآمدی ایران آن عصر مؤثر بوده‌اند. گرچه که پیگیری دقیق و بررسی جامع درباره این ساختار، به سبب نبود آگاهی‌های آماری دقیق و قابل استناد، سخت و گاه ناممکن است و تنها در صورت دستیابی به نتایجی اگرچه اندک،

مبادی اقتصادی ایران عصر صفویه معین و مشخص می‌شود؛ چه مناطقی از کشور، در اقتصاد پولی و مالی نقش تعیین‌کننده ای داشته‌اند. عمده داده‌های ارزنده درباره اوضاع اقتصادی عهد صفویه در نگاشته‌های خارجیان درج شده؛ اما اروپاییان به دلیل علاقه و اشتغال به تجارت ابریشم، اطلاعات زیادی درباره ساختار اصلی اقتصاد ایران آن عهد، یعنی کشاورزی ارائه نکرده‌اند.

### وضعیت اقتصادی ایران عصر شاه اسماعیل اول

شاه اسماعیل، از اوایل سال ۹۰۵ ه. ق فعالیت‌های جنگی خود را برای رسیدن به هویتی سیاسی آغاز کرد. او سرشار از کینه‌ای عظیم، به شروان و نواحی دیگری از قفقاز و گرجستان تاخت و به نظر می‌رسد خسارات و تلفاتی عظیم به اهالی آن مناطق وارد نمود. این واقعه، قزلباشان را با لذت دریافت غنایم آشنا می‌نمود. همچنین، بسیاری از اهالی آن مناطق برای در امان ماندن، مبالغی کلی از نقود را به رسم پیشکش به اسماعیل دادند که فوراً میان قزلباشان تقسیم کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۵۴). اسماعیل، پس از در هم کوبیدن حاکمیت الوند میرزای آق قویونلو در سال ۹۰۶ ه. ق، و فتح تبریز به سال ۹۰۷ ه. ق، با این که هنوز بقایای آن حاکمیت در عراق عرب وجود داشت، رسماً در سال ۹۰۷ ه. ق به تخت نشست. از این زمان به بعد، تا دوران شاه عباس اول (اوایل سده یازده ه. ق)، جامعه‌ی ایران تحت نظر و اراده‌ی «قبایل قزلباش» قرار گرفت. همچنین، سیاست مذهبی گسترش تشیع اثنی عشری نیز عمدتاً با زور و ارعاب توسط قزلباش در بسیاری نواحی آغاز شد (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۱۴۹). به نظر می‌رسد که شاه اسماعیل با اطرافیان لثیم و مال اندوز میانه‌ای نداشته است و چندین بار ثروت انباشته‌ی آن‌ها را مصادره و در میان بینوایان، که احتمالاً بایستی قزلباشانی فقیر بوده، تقسیم نمود (احمد سیف، ۱۳۷۳: ۲۵، ۲۶).

### وضعیت اقتصادی ایران دوره شاه طهماسب اول

شاه طهماسب، جانشین شاه اسماعیل، شخصیت کاملاً متفاوت داشت. گرچه ده سال بیشتر نداشت، ولی بعدها نشان داد که بسیاری از خصایص پدر را به ارث نبرده بود و روش حکومتی‌اش کاملاً متفاوت از پدرش بود. از آنجا که حکومت شاه طهماسب (۹۳۱ تا ۹۸۴ ق) دوره‌ای طولانی را در برمی‌گیرد، حکومت ۵۳ ساله‌ی وی به سه دوره‌ی متفاوت تقسیم و وضعیت اقتصادی متناسب با آن دوره، به شرح ذیل می‌باشد:

#### الف. دوره اول (سال‌های ۹۳۱ تا ۹۶۱ ق)

این دوره سی ساله که با صلح آماسیه خاتمه یافت، دوره‌ای پرآشوب و با جنگ‌های داخلی و خارجی همراه بود. در ابتدای حکومت شاه طهماسب، بی‌ثباتی آشکار و یکی از دلایل آن، هرج و مرج و جنگ‌های داخلی در کشور پس از مرگ شاه اسماعیل و دوران نوجوانی شاه طهماسب بود. قبایل برای کسب منافع و زمین‌های بیشتر و همچنین زیر نفوذ درآوردن شاه به سوی خویش، رقابت سختی داشتند.

#### ب- دوره‌ی دوم (سال‌های ۹۶۲ تا ۹۷۴ ق)

صلح شاه طهماسب با سلطان عثمانی تقریباً در غرب کشور آرامش نسبی برقرار کرد. خطرات و حملات ازبکان نیز شدت و حدت قبل را نداشت، ولی بودجه‌ی کشور هنوز صرف جنگ‌های بیپایان و بی‌نتیجه شاه طهماسب می‌شد. نافرمانی حکام گرجستان از یک سو و دخالت‌ها و تسلط عثمانی بر این منطقه از سوی دیگر، او را وادار به جنگ در این منطقه کرد. در غیر این صورت، اوضاع کشور را می‌توان به لحاظ سیاسی، با ثبات و آرام دانست. نیروی کار فراوانی که برای جنگ در خدمت دولت قرار گرفته بود، به کار سابق خود بازگشتند. و وقفه‌ای که در تولیدات بازار و اصناف شده بود را رفع کردند. بازارهای متعددی در شهرها ساخته شد. از جمله در شهر قزوین که در سال ۹۶۲ ق به پایتختی انتخاب شد، چهار بازار در این شهر ساخته شد (مستوفی، ۱۳۷۵: ۸۱).

### ج- دوره‌ی سوم (سال‌های ۹۷۴ ق تا ۹۸۴ ق)

این دوره‌ی ده ساله که با مرگ شاه طهماسب خاتمه یافت را می‌توان دوره‌ی بی‌توجهی و زراندوزی طهماسب و هرج و مرج سیاسی و اقتصادی نام داد که بازگشتی به گذشته بود. زراندوزی و بی‌تفاوتی وی نسبت به امور و کشور و فقدان سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در اقتصاد، از جمله غفلت در تعمیر و آبادی قنوات و شبکه آبی کشور، ایجاد راه‌های امن و گسترش آن و همچنین افزایش مالیات‌ها و اخذ انواع مختلف آن، همه تلفات و صدمات شدیدی به کشور را سبب شد. آمار خزائن شاه طهماسب نشان می‌دهد، که کشور با کمبود بودجه مواجه نبوده است، ولی طمع‌ورزی، مال‌اندوزی و مشکل فقدان اندیشه بنیادین اقتصادی در این دوره، سبب شده بود که اصلاحاتی فراگیر و اساسی در رفع بحران‌های کشور انجام نگیرد. تنها اعتقاد محکم دینی به پادشاه که او را از سلاله رسول خدا (ص) می‌دانستند مردم را راضی نگه داشت. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۱).

### سیاست‌های اقتصادی دوران دوم صفویه:

#### وضعیت و موقعیت اقتصادی صفویه از دوره شاه عباس اول تا ابتدای دوره سلطنت سلطان حسین

دوره شاه عباس اول دوره بالندگی اقتصاد پولی و تجارت بود. ساخت پل‌ها و کاروانسراها بر سر راه‌های اصلی، زیرساختی را پدید آورد که برای بالندگی تجارت بسیار ضروری بود. قرار دادن راهداران در نقاط کلیدی ممکن علاوه بر حصول درآمدهای مفید به صورت عوارض، سلامت و امنیت راه را برای کاروان‌های بازرگانی که از ممالک مجاور وارد می‌شدند به ارمغان می‌آورد. سیاست انحصار درباری تجارت ابریشم در زمان شاه عباس اول اگر چه روح تجارت پیشگی بازرگانان ایرانی را کاهش داد، اما سرمایه‌داری دولتی را افزایش داد. همچنین تدبیر شاه عباس اول در مهاجرت آرامنه جلفا به ایران و استفاده از نیروی آنان در تجارت ابریشم، توانایی اقتصادی ایران در آن دوران را دو چندان نمود (یوسف نیا، ۱۳۹۳: ۱۴۳-۱۴۲).

#### سیاست‌های اقتصادی عمومی در دوران شاه سلطان حسین صفوی

شاه سلطان حسین، نمونه‌ای از شاهزادگان درباری است که طبق سیاست شاه عباس اول باید درون حرمسرا رشد و نمو کرده و سپس بر تخت سلطنت نشسته باشد چنان که در تاریخ صفویه دیده شده، این سیاست به کلی غلط بود و شاه از آموختن اول و راز و رمز مملکت داری محروم می‌ماند و امور و سرنوشت کشور به دست خواجهگان حرمسرا افتاد. در دربار این پادشاه، به جز عیش و عشرت و سرور و سروری چیزی دیده نمی‌شد.

#### موقعیت اقتصادی طبقه حاکمه (درباریان و حکومتیان)

بسیاری از تیول‌ها پس از جابجایی صاحبان پیشین، از طرف شاه اسماعیل اول به تمامی کسانی که وی را در به حکومت رسیدن یاری نموده بودند رسیدند. از طرف وی تمامی مالیات‌هایی که این افراد باید پرداخت می‌کردند با تخفیف مواجه شد. در جریان حمله شاه اسماعیل اول که به منظور جنگ با ازبکان به سمت مرو رفته بود وی آنچنان در بین همراهان خود متاع و طلا پخش نمود که برای حمل آنان به افراد زیادی نیاز بود. (قاضی احمد قمی، ۱۳۸۳: ۸۵).

#### موقعیت اقتصادی قزلباشان و ایلات

بعد از پیروزی‌های که نصیب حکومت صفویه می‌گشت از طرف شاه اسماعیل تمام حکمرانی آن ایالت‌های متصرفی در اختیار قزلباشان وی قرار می‌گرفتند و آنان در قلمروهای خود با قدرت کامل به فرمانروایی پرداختند. این سرداران که در گذشته عموماً گمنام و تهیدست بودند، پس از رسیدن به مقام و ثروت، چادرهای خود را که نسل‌ها در آن‌ها به سر برده بودند، به کناری نهادند و کاخ‌نشین شدند. آنان لباس‌های ساده‌ی خود را که پشمینه بود، به دور انداختند و البسه‌ی فاخر و ابریشمی پوشیدند. برخی از سران قزلباش موجب تا ۲۰۰ تومان هم دریافت می‌کردند (لاهیجی، ۱۳۵۲: ۴۶).

### موقعیت اقتصادی نهاد دین و علما

روحانیت شیعه در دوره‌ی شاه سلطان حسین قدرت بیشتری یافت و روحانیون حتی برخی مقام‌های دولتی را اشغال کردند. دشمنی روحانیت شیعه با صوفیان و اهل سنت نیز شدت یافت و درباره‌ی صوفیان می‌گفتند: «الصوفی لامذهب له فی الحقیقه» (سرجان ملک، ۱۳۷۰: ۷۱۵).

### موقعیت اقتصادی تاجران و پیشه‌وران و صنعتگران

طبقات پیشه‌وران شهری و بازاریان و بازرگانان داخلی و خارجی در اوایل سلطنت شاه سلطان حسین در کمال آسودگی، مشغول کار و زندگی بوده و از رفاه خوبی برخوردار بودند. به طور کلی اجناس و امتعه در بازارهای شهرهای بزرگ فراوان بوده و به علت وسعت داد و ستد انواع کالا در سطح مملکت و با خارج، بازرگانان ثروت سرشاری تصاحب کردند (کارری، ۱۳۸۴: ۶۶).

### موقعیت اقتصادی روستاییان و کشاورزان

به طور کلی رعایای روستایی ایران نیز همانند دیگر طبقات و اقشار اجتماعی، از انحطاط اقتصادی ایران که از اواسط قرن یازدهم ه ق آغاز شد و روند آن شدت می‌گرفت زیان می‌دیدند. در آغاز سلطنت شاه سلطان حسین، وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها همان وضعیتی بود که رعایای روستایی ایرانی در قرن‌ها قبل از آن دارا بودند. قسمت اعظم رعایا همچنان حق نداشتند محل سکونت خود را آزادانه یا بدون اجاره رسمی ترک کنند. طی فرمانی از شاه در سال ۱۱۲۲ ه ق، اگر رعایایی، محل زندگی خود را ترک کرد و تا ۱۲ سال بعد هرگونه بدهی مالیاتی آن‌ها مشخص شود بایستی به محل اولیه بازگرداند و از آنان اخذ گردد. پایه‌های دوگانه اقتصاد داخلی ایران عصر صفوی گله‌داری و کشاورزی بود. برخی معتقدند بین کوچ نشینان و یکجانشینان رابطه‌ی وابستگی متقابل وجود داشته است. کوچ نشینان نسبت به یکجانشینان روستاها وضعیت نسبتاً بهتری داشتند و از تحرک اجتماعی بیشتری برخوردار بودند و به خاطر پیوندهای قبیله‌ای می‌توانستند مورد اعتماد حکومت واقع شده به عنوان ابزار دریافت مازاد بیشتر از دهقانان عمل کنند. (فوران، ۱۳۹۲: ۳۵).

### موقعیت اقتصادی ارامنه

ارامنه به ویژه ارامنه‌ی جلفای اصفهان در دوران سلطنت شاه سلطان حسین، هم چنان مشغول تجارت داخلی و خارجی بودند حتی کل حجم تجارت میان ایران و روسیه را در دست گرفتند. در نتیجه، سطح زندگی و رفاه مردم ارمنی جلفای اصفهان بالا بود و در نظر خارجی‌ان و بیگانگان تفاوت آشکاری میان محلات اصفهان (به جز محله‌ی سلطنتی) و جلفا وجود داشت (لکه‌پارت، ۱۳۸۰: ۵۴۶). با این حال به نظر می‌رسد در این زمان سختگیری علیه ارامنه، شدت یافته باشد. آن‌ها پیوسته می‌بایست جزیه‌ی خود را پرداخت می‌کردند و حتی برخی خانواده‌های ارمنی که در زمان شاه عباس دوم از دادن جزیه معاف شده بودند، از این امتیاز محروم گردید. هم چنین قانونی که به مسلمان حق می‌داد دارایی‌های خویشان غیرمسلمان خود را به ارث ببرد، آنان را متاثر می‌ساخت (فلور، ۱۳۶۵: ۵۸).

### أفت تجارت خارجی و داخلی عصر صفویه

برای شناخت بهتر از نقاط قوت و ضعف سیاست اقتصادی حکومت صفوی، نخست باید به تحلیل سیاست خارجی و داخلی آن پرداخت، اما از آنجاکه بحث در این باره، به زمان و مجال بیشتری نیاز دارد، تنها می‌توان به چند نکته اشاره کرد. گرچه پیمان صلح «آماسیه» در ۹۶۱ق، به جنگ‌های فرسایشی ایران و عثمانی پایان داد، اما ناآرامی‌های سیاسی پس از مرگ شاه تهماسب اول و تخلف از پیمان آماسیه، راه تجارت با اروپا را مجدداً مسدود کرد و سپس محاصره اقتصادی ایران توسط عثمانی در دوره شاه عباس اول پیش آمد؛ اقدامی که شاه ایران را برآن داشت تا برای جلوگیری از خسارت به تجارت ابریشم، مسیر آن را تغییر

دهد. از طرفی، با سقوط قسطنطنیه و همزمان با انسداد مرزهای غربی چین توسط دودمان مینگ، راه ابریشم از رونق افتاده بود و شهرهای بزرگ کاروانرو، اهمیت خود را از دست داده بودند.

### جنگ‌های داخلی و خارجی

مخالفت با حاکمیت و جدال بر سر تصاحب قدرت تقریباً تمامی پادشاهان صفوی را درگیر کرد. این جدال و قلع و قمع دشمنان گاهی با حس انتقام جویی و کینه ورزی نیز همراه بود که بر شدت تخریب آنها می‌افزود. مثلاً قتل عام کسانی که در جنگ علیه پدر شاه اسماعیل شرکت داشتند (قزوینی، ۱۳۸۶: ۲۷۱). کشتار بی‌رحمانه شروانیان صرف کینه توزی و انتقام جویی و اعتقادات سنی که حتی مال و اموالشان نیز نجس اعلام شد و تمامی در آب انداخته شد (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۲) از سوی دیگر اعلام حاکمیت شیعه در ایران مخالفت‌ها و تنش‌های زیادی از غرب و شرق کشور به همراه داشت. بنیه صفویه در اثر این تهاجم‌ها و حملات گسترده، رو به سستی نهاد. تمام این‌ها در ایجاد بحران و رکود اقتصادی تأثیر بسزا داشت.

### افزایش نرخ مالیات‌ها

یکی دیگر از شیوه‌هایی که تأثیرات سوء بر اقتصاد ایران و تشدید بحران‌های اقتصادی داشت؛ افزایش نرخ مالیات‌ها بود. جنگ‌های طولانی و مداوم مسلماً بودجه کلانی می‌طلبید و مالیات‌های مردمی، مهم‌ترین منبع تأمین این جنگ‌ها بود. بنابراین افزایش مالیات و فشار بر مردم تنها راه چاره شاهان بود. این مسئله، تنها تأثیر بروز جنگ‌ها بر اقتصاد مردم نبود. بلکه از یک طرف سپاهیان در هر ایالتی که اتراق می‌کردند، تأمین علیق آنان با مردم آن جا بود و از طرف دیگر سرزمین‌های وسیعی از مردم مرزی و سرحدی تحت عنوان زمین‌های سوخته (زمین سوزی)، ویران و روستاها و دژهای آنجا تخریب می‌شد (دالساندری، ۱۳۸۱: ۴۷۸).

### استبداد، فساد شاهی و دستگاه سلطنتی:

بارزترین خصیصه موجود در دربار شاه سلطان حسین صفوی عبارت بود از تشریفات زاید و اسراف و تبذیرهای فراوان؛ به طوری که این امر، به خوبی در گزارش سفیر روسیه به نام ولینسکی<sup>۱</sup> مشهود است. وی پس از ورود به دربار صفوی، در خصوص تزئینات آنجا می‌گوید: نخستین چیزی که به چشم خورد، منظره‌ای عالی از بیست اسب بود که به صف ایستاده و دارای زره و تجهیزات بسیار بودند. روی بعضی از زین‌ها و لگام‌هایشان که از طلا و نقره بود، یاقوت و زمرد و سایر سنگ‌های گرانبها نصب کرده بودند. همه اسب‌ها را با طناب و میخی از طلا به زمین بسته بودند و برای کوبیدن آن میخ، چکشی هم بر طبق رسم ایرانیان در کنارش گذاشته بودند. زنجیرهایی که پاهای عقب اسب‌ها را با آن‌ها بسته بودند و همچنین، چکش‌ها همه از طلا در سال ۱۱۱۹ ق/ ۱۷۰۶ م شاه سلطان حسین با حرمسرای خود و عده‌ای از بزرگان کشور و درباریان که شمارشان به شصت هزار نفر می‌رسید، از اصفهان به قم رفت. نوشته‌اند که شمار ملت زمین رکاب چنان زیاد بود که خیمه و خرگاه ایشان چند فرسنگ راه را گرفته بود. این جمع فراوان، پس از زیارت قم، به مشهد رفتند تا آستانه رضویه را نیز زیارت کنند. یک سال این جمع کثیر در مشهد ماند. مخارج این مسافرت و زیارت طولانی، به اندازه‌ای سنگین بود که به قول کروسینسکی، نه فقط خزانه کشور را خالی کرد، «بلکه ایالات مسیر شاهانه را نیز به ویرانی کشید. نصف مخارج این سفر، برا لشکرکشی به قندهار جهت سرکوبی شورشیان کافی بود» (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۲۴).

### نقش پول در نارضایتی و سقوط صفویه

#### بی ارزش شدن پول و عوامل موثر آن

دولتی که شاه اسماعیل تحت عنوان صفویان در ایران تاسیس نمود بر پایه اتحاد بین دو عامل سیاسی و دینی بود. با این دو عامل توانست تحولات اساسی در کشور رقم بزنند. صفویه اصول اقتصادی خود را در دو بخش داخلی و خارجی پایه ریزی

<sup>۱</sup> Wolinski

نمود. در بخش داخلی به اصول کشاورزی پایبند و در بعد خارجی به تجارت با دولت های دیگر همکاری می نمود. پول نقش اساسی چه در تجارت داخلی و چه در تجارت خارجی ایفا می نمود. در دوره صفویه سکه های کشورهای اروپایی توسط تجار این کشور ها وارد ایران می شد و پول ایران نیز به کشورهای اروپای برده می شد. (شاردن، ۱۳۴۹، ج ۳: ۸۹). در این میان، صرافان نیز به تعویض پول مشغول بودند و از این طریق سود زیادی به دست می آوردند. همه ی معاملات پولی در ایران، از طریق صرافان انجام می شد. یکی از بخش هایی که با حوزه ی اقتصادی رابطه ی تنگاتنگی داشت، سازمان پولی بود. سازمان پولی، تشکیلاتی داشت که بر تولید، ضرب و توزیع پول نظارت می کرد. به دلیل اهمیت فراوان سازمان پولی، شخص شاه آن را اداره می کرد و فرایند تولید، ضرب و انتشار سکه و کنترل بر عیار آن را در اختیار داشت. مسکوکات مهم ترین نوع پول در دوره های تاریخی و از جمله دوره ی صفویه بودند. سکه ها از جنس طلا، نقره و مس بودند. سکه ی طلا معمولاً به مناسبت به سلطنت رسیدن، فتح و پیروزی پادشاه یا عید نوروز به ضرب می رسید و پول رایج نبود؛ در نتیجه همه ی پرداخت ها با مسکوکات نقره و مس انجام می شدند (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۷۵). مردم نیز پول طلا را ننگه نمی داشتند، بلکه نزد صراف می بردند و با پول رایج (انواع پول نقره) عوض می کردند؛ از این رو قیمت نقره در این مناطق، بالاتر از قیمت این فلز در اروپا بود. نه تنها در دوره صفویه بلکه در تمام حکومت ها ضرب سکه های طلا و نقره مخصوص پادشاه و دربار بود حال آنکه ضرب سکه های کم ارزش مانند مسی در ایالات توسط حاکمان هر ایالت ضرب می شد. (دوسرسو، ۱۳۶۴: ۴۶). مسکوکات مسی در اقتصاد محلی دوره صفوی، نقش محوری داشتند (بنانی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۷۲). منابع تأمین پول (فلز مسکوکات)، سیر نزولی و صعودی ارزش پول و ارتباط آن با اقتصاد عصر صفوی از جمله دغدغه ها و مسائل موجود در این زمینه هستند.

#### الف- تنزل میزان عیار مسکوکات

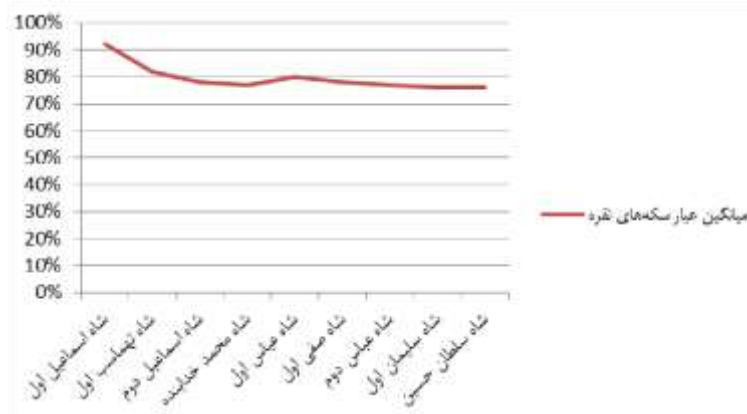
یکی از امتیازات که حقوق اصلی پادشاه بشمار می رفت ضرب سکه طلا و نقره بود. دولت ها بدون پایین آوردن ارزش عیار سکه مباردت به ضرب آن می کردند. حکومت ها هنگامی که با کمبود بودجه و در فشار اقتصادی قرار می گرفتند سعی می کردند با ضرب سکه کمبود نقدینگی خود را جبران کنند که این عمل باعث پایین آمدن ارزش پول ملی می شد. که با این عمل سکه های با ارزش عیار کمتری جای ارزش واقعی سکه هارا می گرفت کخ این قانون به قانون گرشم معروف شد. (گاردل، ۱۳۲۹: ۲۷-۲۸).

در سال ۱۰۶۷ ه. ق (۱۶۵۷م)، مرکز حکومت صفوی ارزش پول ملی آنچنان پایین آمده بود که هیچکس حاضر نمی شد با این پول معامله ای انجام بدهد. در پی بی ارزش شدن پول طی فرمان شاه عباس دوم تمامی پول و سکه هایی که جمع شده بودند در بازار پخش و سکه های بی ارزش از سطح شهر جمع شدند. (آژند، ۱۳۸۰: ۲۷۵). در مدت دوازده سال سرمایه و ثروت ایران به نصف واقعی خود رسید و پول با ارزش و معیار خوب در کشور ضرب نمی شد. (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۹).

وضعیت پول در دوره حکومت شاه سلیمان به قدری بد شده بود که هیچ یک از تجار اروپایی حاضر نبود برای تجارت به ایران سفر کند و دلیل این رواج پول تقلبی در ایران بود زیرا از طرف دولت کسانی که پول تقلبی در کشور پخش می کردند یا برخورد قاطعی نمی کردند یا با گرفتن رشوه از آنان، موجب پخش شدن بیشتر پول در سطح کشور می شدند. (سانسون، ۱۸۸۱: ۳۴۶).

در دوره اول حکومت صفویه تا اواسط حکومت شاه عباس اول ضرب سکه نقره با معیار مناسبی در ضربخانه ها ضرب می شد اما پس از مرگ شاه عباس و هرچه به سقوط دولت صفویه نزدیک می شویم مسکوکات این دوره از ارزش و معیار واقعی خود کاسته اند و به نوعی بی ثباتی در ضرب سکه ها رخ داده است. (شکل 1).





شکل ۱: میانگین درصد عیار مسکوکات نقره‌ی شاهان صفوی

### ب- ضرب زیاد پول

یکی از عواملی که موجب می‌شد که ارزش پول به شدت کاهش یابد انتشار و ضرب بیش از اندازه پول برای جبران کسری‌های بودجه دولت بود. در دوره حکومت شاه عباس دوم به دلیل اینکه سکه بیش از اندازه در کشور ضرب شد کشور دچار رکود اقتصادی و مردم از لحاظ زندگی در شرایط سختی قرار گرفتند. در اشعار شاعر معروف دوره صفویه یعنی ملاقدرت می‌توان به خوبی به کم ارزش شدن پول و همچنین پایین بودن معیار سکه‌های این دوره مشاهده نمود.

ز خواب گران فتنه بیدار شد / چو ماهی به مردم درم بار شد  
فلوس صفاهان چنان نارواست / که گویی به هر کیسه پول ازدهاست  
نگیرد گدا پول از بس پر است / تو گویی مگر شیرش آدمخور است... (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۴۲۱).

از عواملی که موجب شد کشور دچار تورم شدید شود کمبود کالا بود. این کمبودها به واسطه مخفی نمودن کالاها توسط برخی از افراد سود جو بود. قحطی‌های دوره صفویه نیز بر پایین آمدن ارزش پول در این دوره سهم مهمی داشتند. رکود اقتصادی که در زمان حکومت شاه عباس دوم شروع شده بود در دوره دو پادشاه آخر صفوی چنان شدت گرفت که در اثر حمله از طرف افغانان حکومت صفویه چون از لحاظ اقتصادی در تنگنا بود بر اثر این حمله سقوط نمود.

### شیوه‌های تجاری کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند با ایران

#### الف) کمپانی هند شرقی انگلیس

(۱) صادرات از ایران: در اوایل قرن هفدهم به دلیل گرانی ابریشم ایران این کالا مورد توجه نبود و پشم بز خریداری از ناحیه راور از توابع کرمان بود. گفته می‌شود این پشم بز به نرمی ابریشم و به طور عجیبی به هم چسبیده می‌شد و به رنگ آبی و سفید و متمایل به خاکستری بود. دیگر صادرات پارچه‌های زربفت، پارچه پرده‌ای، قالیچه، چرم، پسته، صدف، سنگ لاجوردی، بادام، خشکبار و ... را شامل می‌شد.

(۲) واردات ایران از انگلیس: انواع پارچه‌های الوان مختلفه، قلع، سرب، ساعت، فنجان، نعلبکی، ظروف و قرمز دانه (قرمز گچ کش).

(۳) واردات ایران از هند: چوب صندل، عاج، روغن نارگیل، شکر، پارچه پنبه‌ای، پارچه‌های اضافی که انگلیسی‌ها به هند بردند به ایران ارسال می‌شد.

(۴) متفرقه: کمپانی انگلیسی با اجاره کشتی‌های خود به بازرگانان ایرانی و آرامنی و هندی برای حمل کالا به هند منفعت بسیار برد.

## ب) کمپانی هند شرقی هلند

- ۱) صادرات از ایران: تقریباً این صادرات مانند کمپانی انگلیسی بود؛ اما ابریشم ناحیه لاهیجان و نوعه اردسه آن که از شیروان به دست می‌آمد، از دو نوع دیگر زبرتر بودند. سایر صادرات مانند طلا، نقره، عنبر، شراب سفید و قرمز شیراز، روناس نیز بود.
- ۲) واردات ایران: پارچه‌های مختلف، حریر، عاج، روی ف انواع عطر، فلفل، هل و چاشنی‌های دیگر.
- ۳) هلندی‌ها نیز مانند انگلیسی‌ها از حمل مسافر، اجاره کشتی و دیگر حمل و نقل‌ها استفاده می‌کردند (عقیلی، ۱۳۹۱: ۳۳۵-۳۳۷).

## نتیجه گیری

بعد از تشکیل حکومت صفویه توسط شاه اسماعیل اول در سال ۹۰۷ ه.ق. بعد از مدت‌ها حکومتی مرکزی بر روی کار آمد. اقتصاد صفویه از روی کار آمدن شاه اسماعیل اول تا سال ۹۹۶ ه.ق. متکی بر اقتصاد شبانی و کشاورزی بود. دلیل آن را می‌توان این دانست که جامعه آن روز ایران بیشتر به کشاورزی و گله داری می‌پرداختند. بعد از بر روی کار آمدن شاه عباس اول اقتصاد ایران عصر صفوی دچار تغییر و تحولاتی شد به گونه ای که در این دوره سفرای کشورهای اروپایی و آسیایی به دنبال به دست آوردن تسهیلات اقتصادی بودند و تا حدودی توانستند به این مهم دست یابند. در دوره شاه عباس اول اقلیت‌های مذهبی مانند ارمنه، هندوها، و یهودیان به واسطه فعالیت‌های اقتصادی خود علاوه بر اینکه در اجرای مراسمات مذهبی خود آزاد بودند و به پیشرفت اقتصاد صفویه کمک‌های شایانی نیز کردند. بعد از فوت شاه عباس و روی کار آمدن شاهان بعدی به واسطه نفوذ درباریان و همچنین گسترش رشوه اقتصاد عصر صفویه در سراسریی قرار گرفت.

طبقات اجتماعی در دوره صفویه هر کدام به فراخور موقعیت اجتماعی خود سهمی در اقتصاد عصر صفویه داشتند. حکومت صفویه که توسط قزلباشان به حکومت رسیده بود به تبع این طبقه از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردار بودند. طبقه روحانیون بعد از رسمی شدن مذهب تشیع در ایران و سرپرستی امور دینی و انجام امور شرعی ثروت هنگفتی در دوره صفویه بدست آوردند. اقتصاد صفویه تا قبل از شاه عباس اول چون بر گله داری و شبانی متکی بود به همین دلیل نقش کشاورزان در اقتصاد عصر اول صفوی چشمگیر بود.

بعد از مرگ شاه عباس اول، اقدامات جانشینان وی باعث بروز نارضایتی‌های اقتصادی شد که به بررسی از آنها به ترتیب ذیل مورد بررسی قرار گرفت: یکی از اقداماتی که شاه عباس به منظور پیشرفت اقتصاد عصر صفوی انجام داده بود، اقدام در زمینه تبدیل ممالیک ارضی بود که در دوره جانشینان وی این اقدام با تغییر در نحوه اجرا تا حدودی موجب رکورد درآمد این زمین‌ها شد. از دیگر عوامل می‌توان به انجام مراسم تشریفات دربار مخصوصاً در اواخر دوره صفویه و افزایش شدید مالیات‌ها در این دوره و همچنین کساد شدن تجارت داخلی و خارجی به دلیل عدم امنیت در بین راه‌های مواصلاتی و همچنین پایین آمدن ارزش پول ملی در این دوره بود که در نهایت باعث شکل گیری شورش‌هایی شد که شورش‌ها گرچه سرکوب شدند ولی نارضایتی‌های اقتصادی بلند مدت بود. سرانجام ضعف اقتصادی دولت صفویه که مخصوصاً در دوره دو پادشاه آخر صفویه به اوج خود رسیده بود موجب شد که سلسله صفویه در سال ۱۱۳۵ ه.ق توسط محمود افغان سقوط کند.

شاه عباس برای تمرکز قدرت، به طور کلی نظام صفوی را که متکی به قبایل و نیروهای محلی بود، به یک دیوان سالاری بزرگ دولتی تغییر داد. اما به دلیل بی توجهی شاهان آخر صفویه به این سیستم حکومت داری و عدم توجه به امور اقتصادی و گسترش رشوه و فساد در دولت و دربار و همچنین قاچاق سکه و پایین آمدن ارزش پول در پی رواج بیش از اندازه ضرب سکه در دوره صفویه، متلاشی شدن حکومت صفوی بیش از پیش عیان شد. در این دوره رقابت بین کمپانی‌های دولت‌های اروپایی در ایران نیز مزید بر علت بود تا سیستم اقتصادی که شاه عباس بنیان گذاشته و قصد پیشرفت و ترقی ایران را در سرداشت بعد از مرگ وی، خود از عوامل مهم ناکارآمدی نظام صفوی شده و حکومت را از درون و بیرون به نابودی و اضمحلال کشانید.

## منابع و ماخذ

۱. اخضری، علی، کجیاف، علی اکبر، نگرشی بر آسیب‌های اقتصادی ایران عصر صفوی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۱۷، ص ۳۵-۴۸، بهار ۱۳۹۲.
۲. آصف (رستم الحکماء)، محمدهاشم، رستم‌التواریخ، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
۳. آقاجری، هاشم، پژوهش‌های مورخان شوروی درباره علل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره حکومت صفویان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۳۷ و ۳۸، ۵۰-۵۷، آذر ۱۳۷۹.
۴. اولثاریوس، آدام، سفرنامه‌ی مسکو و ایران، ترجمه‌ی احمد به‌پور، تهران، نشر ابتکار، ۱۳۶۳.
۵. برن، رهر، نظام ایالات در دوره‌ی صفوی، ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
۶. بنانی، امین، صفویان، ترجمه‌ی یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران، مولی.
۷. پیگولوسکایا، ن. و، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۴.
۸. تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه‌ی تاورنیه، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، تهران، کتاب - خانه‌ی سنایی، ۱۳۸۹.
۹. تاورنیه، ژان، سفرنامه، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، اصفهان، کتابفروشی تائید، ۱۳۳۶.
۱۰. ترکمان، اسکندر بیگ، عالم آرای عباسی، به کوشش یدالله شکری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
۱۱. جعفریان، رسول، صفویه از ظهور تا زوال، تهران: دانش و اندیشه‌ی معاصر، ۱۳۸۰.
۱۲. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه‌ی دین، فرهنگ و سیاست، قم، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ج ۱ و ۲ و ۳، ۱۳۷۹.
۱۳. جهانگشای خاقان، به کوشش الله دتا مضطر، اسلام آباد پاکستان، ۱۳۶۴.
۱۴. حزین، علی ابن ابی طالب، تاریخ حزین، اصفهان، تایید، ۱۳۳۲.
۱۵. حسینی (خواند میر) غیاث الدین، تاریخ حبیب‌الیسر، تهران، انتشارات خیام، ج ۴، ۱۳۸۰.
۱۶. خواندمیر، امیرمحمود، ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، به کوشش غلامرضا طباطبایی، تهران، موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۰.
۱۷. خورشاه بن قبادالحسینی، تاریخ ایلچی نظام شاه، به تصحیح محمدرضا نصیری و کوئچی‌هان‌دا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۸. درهاونیان، هارتون، تاریخ جلفای اصفهان، زنده رود، انتشارات نقش خورشید، ۱۳۷۹.
۱۹. دلاواله، پیتر، سفرنامه‌ی پیتر دلاواله، ترجمه‌ی شعاع الدین شفا، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۰.
۲۰. روملو، حسن بیک، احسن‌التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۴.
۲۱. سانسون، مارتین، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی (سفرنامه‌ی سانسون)، ترجمه‌ی تقی تفضلی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
۲۲. سپناچی پاشازاده، محمد عارف، انقلاب اسلام بین الخواص العوام، به کوشش رسول جعفریان، قم، نشر دلیل، ۱۳۷۹.
۲۳. سفر نامه و نیزبان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۱.
۲۴. سلطانیان، ابوطالب، بررسی عوامل مؤثر بر وضع اقتصادی کشاورزان در دوره صفویان، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، دوره ۴۶، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۲۵. سلطانیان، ابوطالب، نظام زمین‌داری و کشاورزی در دوره‌ی صفویه، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان، ۱۳۹۳.
۲۶. سلیم، محمد نبی، سیاست اقتصادی صفویه و تاثیر آن بر سقوط دولت، نشریه پژوهش‌های علوم تاریخی، سال دهم، شماره ۲، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۲۷. سیف، احمد، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، انتشارات چشمه، ۱۳۷۳.
۲۸. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه‌ی کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۴.

۲۹. سیوری، راجر، تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی، ترجمه عباسقلی غفاری فر و محمدباقر آرام، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶.
۳۰. شاردن، ژان، سفرنامه-ی شاردن، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، تران، انتشارات توس، ج ۳ و ۵، ۱۳۷۴.
۳۱. شاردن، ژان، سیاحت‌نامه‌ی شاردن، ترجمه‌ی محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
۳۲. فاضل، احمد، شاه عباس دوم صفوی و زمان او، مشهد: ضریح، ۱۳۷۶.
۳۳. فرهانی منفرد، مهدی، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۳۴. فلاندن، اوژن، سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران؛ تصویری از ایران دوران قاجار، ترجمه‌ی عباس آگاهی، تهران: نقش مانا، ۱۳۹۳.
۳۵. فلور، ویلم، برافتادن صفویه برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران، ۱۳۶۵.
۳۶. فوران، جان، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی، ترجمه‌ی احمد تدین، چاپ دوم، تهران، رسا، ۱۳۷۸.
۳۷. فومنی، عبدالفتاح، تاریخ گیلان، چاپ عطاءاهل تدین، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۵۳.
۳۸. فیدالگو، گریگوریو پیریرا، گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار سلطان حسین صفوی، ترجمه‌ی ژان اوبن و پروین حکمت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
۳۹. قزوینی، بوداق، جواهر الاخبار، ترجمه محسن بهرام نژاد، چاپ محمدرضانصیری و کوئیچی‌هانه دا، توکیو، مؤسسه‌ی مطالعات فرهنگ‌ها و زبان‌های آسیا و آفریقا، ۱۳۷۵.
۴۰. قمی، قاضی احمد، خلاصه‌ التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱، ۲، ۱۳۸۳.
۴۱. کارری، جملی، سفرنامه، ترجمه‌ی عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸.
۴۲. کروسینسکی، تادریزودا، سفرنامه کروسینسکی، ترجمه‌ی عبدالرزاق دنبلی (مفتون)، تصحیح مریم میراحمدی، تهران، توس، ۱۳۶۳.
۴۳. کریمی موغاری، زهرا، خرمی مقدم، آزاده، بررسی عملکرد اقتصادی ایران در عصر صفوی و مقایسه آن با اروپای قرن ۱۷ با رویکرد نهادی، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴.
۴۴. کمالی سروستانی، خسرو، جعفری سروستانی، مریم، بررسی تطبیقی علل اقتصادی سقوط حکومت‌های صفویه و مغولان کبیر هند، فصلنامه تاریخ اسلام، پیاپی ۷۴، ص ۲۱۱-۲۴۰، ۱۳۹۷.
۴۵. کمپفر، انگلبرت، سفرنامه‌ی کمپفر، ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.
۴۶. کیانی، محسن، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، طهوری، ۱۳۸۰.
۴۷. گیلانتز، پطروس، گزارش‌های گیلان‌نتز یا سقوط اصفهان، ترجمه‌ی محمد مهریار، اصفهان، شهرداری اصفهان، ۱۳۷۱.
۴۸. لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین، تاریخ خانی، تصحیح و تحشیه‌ی منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۴۹. لکه‌هارت، لارنس، انقراض سلسله‌ی صفویه و ایام استیلای افغان‌ها در ایران، ترجمه‌ی مصطفی قلی‌عماد، چاپ سوم، تهران، مروارید، ۱۳۶۸.
۵۰. لمبتون، کاترین سینفورد، مالک و زارع در ایران، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
۵۱. متی، رودی، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمه‌ی حسن زندیه، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۵۲. متی، رودی، ایران در بحران زوال صفویه و سقوط اصفهان، ترجمه حسن افشار، تهران، جباری، ۱۳۹۳.
۵۳. مستوفی، محمدمحسن بن محمدکریم، زبده‌ التواریخ، تصحیح بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات افشار یزدی، ۱۳۷۵.

۵۴. مظفریان، داراب، جدیدی، ناصر، ترابی فارسانی، سهیلا، عوامل موثر بر توسعه‌ی اقتصاد شهری اصفهان در دوره صفویه، ناصر جدیدی و همکاران، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۶، ۱۳۹۹.
۵۵. ملکم، سرجان، تاریخ کامل ایران، ترجمه‌ی میرزا اسماعیل حیرت، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
۵۶. منجم یزدی، ملاجلال، تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)، به اهتمام سیف الله وحیدنیا، تهران، انتشارات وحید، ۱۳۴۶.
۵۷. منشی، اسکندربیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ج ۳، ۱۳۷۷.
۵۸. میراحمدی، مریم، دین و مذهب در عصر صفویه، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.
۵۹. میرجعفری، حسین، پیامدهای سیاست خاصه‌سازی در دوره صفویه، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره‌ی ۲، ش ۱، پیاپی ۱، ص ۴۵-۴۴.
۶۰. میرزا سمیعا، تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، بی نا، ۱۳۳۲.
۶۱. مینورسکی، والدیمیر، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، زوار، ۱۳۳۴.
۶۲. نخجوانی، حاج حسین، چهل مقاله، به کوشش یوسف خادم هاشمی نسب، تبریز، چاپخانه‌ی خورشید، ۱۳۴۳.
۶۳. نظری هاشمی، محمد، نگاهی دوباره به فاجعه‌ی سقوط اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۱۵، ص ۳۵-۴۶، زمستان ۱۳۷۷.
۶۴. نویدی، داریوش، تغییرات اجتماعی اقتصادی در ایران عهدصفوی، ترجمه هاشم آغاچری، تهران، نی، ۱۳۸۶.
۶۵. هدایت، رضاقلی‌خان، تاریخ روضه الصفاى ناصری، تهران، خیام، ج ۸، ۱۳۳۹.
۶۶. هینس، والتر، شاه اسماعیل دوم صفوی، ترجمه کیاوس جهانداری، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.
۶۷. وارد، محمدشفیع، مرآت واردات، تاریخ سقوط صفویان، پیامدهای آن و فرمانروایی ملک محمود سیستانی، تصحیح منصور صفت گل، تهران، میراث مکتوب، ج ۱، ۱۳۳۲.
۶۸. واله اصفهانی، محمد یوسف، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (۱۰۷۱-۱۰۳۸ ه.ق).
۶۹. ویمر، هانس روبرت، ایران در راه عصر جدید، ترجمه‌ی آذر آهنجی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۷۰. یلفانی، رامین، موقعیت اقتصادی دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۸۷.

71. Bairoch, Paul (1995). *Economics and World History: Myths and Paradoxes*. Chicago: University of Chicago Press.
72. Ferrier, Ronald W. (1996). *A journey to Persia: Jean Chardin's Portrait of a Seventeenth-century Empire*. London: I.B.Tauris.
73. Fryer, John (1698). *A New Account of East India and Persia*. London.
74. Jackson, Peter (1986). *The Safavid Period*. The Cambridge History of Iran. Cambridge: Cambridge University Press.
75. Le Brun, Corneille (1718). *Voyages De Corneille Le Brun Par La Moscovie, En Perse, Et Aux Indes Orientales*. Amsterdam: Chez les frères Wetstein
76. Matthee, Rudi (2012). *Persia in Crisis: Safavid Decline and the Fall of Isfahan*. London: I.B.Tauris.
77. Newman, Andrew, j, *Safavid Iran Rebirth of a Persian Empire*, London: I.B. Tauris & Co Ltd, 2006
78. Reid, James j. 2000, *Studies in Safavid mind, Society and Culture*, California Mazda Publishers.